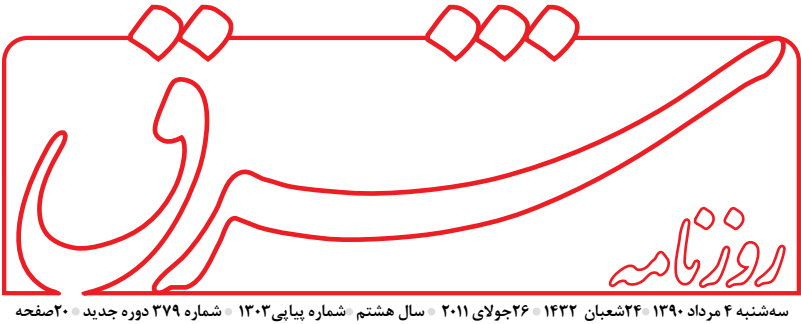




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاکرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸-۷۱۹، ۸۸۸۸-۷۱۹، ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۱۳۰-۵
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewsaper.ir
تهران: اذان ظهر ۱۳:۱۲ اذان مغرب ۲۰:۴ اذان صبح فردا ۴:۲۹ طلوع آفتاب ۶:۸



سه‌شنبه ۴ مرداد ۱۳۹۰، ۲۴ شعبان ۱۴۳۲، ۲۶ جولای ۲۰۱۱، سال هشتم، شماره پیاپی ۱۲۰۲، شماره ۲۷۹ دوره جدید، ۲۰ صفحه

اعلام آزادی پگاه آهنگرانی و مرضیه وفامهر

شرق: دیروز خبرها درباره آزادی پگاه آهنگرانی بازیگر مطرح سینمای ایران، ضدونقیض بود. به گزارش خبرنگار ما پس از مصاحبه مطبوعاتی عصر روز گذشته دادستان کل کشور مبنی بر آزادی پگاه آهنگرانی و مرضیه وفامهر به قید وثیقه در آینده نزدیک، برخی خبرها از وثیقه‌گذاری و آزادی پگاه حکایت داشت. اما تا واپسین ساعات دیشب خبر رسمی و مورد وثوقی در این خصوص منتشر نشد. درباره وضعیت وفامهر نیز خبری انتشار نیافته است.



کلبه کوچک من

راز ماندگاری آثار هنری –۲۶

اردشیر خرم‌نکوب

■ در تاریخ هنر نیز، تولد سبک‌های هنری، با همین دشواری روبه‌رو بوده‌است. نقاش صاحب‌نامی چون «ون‌گوگ» که امروزه نابولهایش در قلب موزه‌های مطرح جهان جای داده شده و هر کدام آنها میلیون‌ها دلار می‌آزد، خود، در فقر و بدفهمی هنرمندان و مردمان عصر خویش روزگار گذراند و حتی از اینکه هنرشناس فهمیده‌ای پیدا نشد تا او را و قدر هنر او را بفهمد، کارش به دیوانگی کشید امروز اما ون‌گوگ، به عنوان مبلغ یک سبک مستقل هنری در حوزه نقاشی، صاحب منزلت است طوری که مردم و هنرشناسان، به او و به آثار هنری او استناد می‌کنند هنرمندان، نیک می‌دانند که اگر بخواهند بمانند و نمیرند، باید مخاطره کنند یک، اینکه از سطح بهره‌یزند و دو، سخنی نو، حرکتی نو و طرحی نو به کار اندازند. یکی از دلایل اینکه مردمان ما، در فهم شعر، حداقل به مراتبی قابل اعتنا دست یافته‌اند، این است که در سرزمین ما، شعر، فرصت حضور و ظهور فراوان تری نسبت به سایر هنرها یافته است. مردمان ما حتی در عصر خویش، با سعدی و فردوسی و حافظ و مولوی، ارتباط برقرار می‌کرده‌اند. با اینکه حافظ، آن چنان به پای کلام و کلمه در پیچیده است که تا روزگار باقی است، حالات و تازگی از سخن او برمی‌جوشد. برخلاف نقاشی و نمایش و موسیقی و ادبیات و مجسمه‌سازی، که در سرزمین ما، فرصت چندانی نیافته‌اند تا خودی نشان بدهند و سری برآورند. حافظ اگر می‌خواست مثل این شاعر عهد قجر بسراید، که با دیدن باتوان موهوب، فرنگی، بانشتاب می‌سراید: ای خلوم فرانسوی - رونق دین عیسوی، قطعا در همان عهد خود فرو مرده بود و آوازه‌ای نیز از او به این سوی نیامده بود. حافظ اما، در سرزمین شعر، فرو شد. به عمق رفت. و از اقیانوس معانی، گوهرهای بی‌بدیل برآورد. دلیل زنده بودن حافظ و شعر او، همین پرده‌هایی است که او بر سر معانی، برافکنده است. پرده‌هایی که هر کدام، از رنگها و شورانگیزی‌های کلامی و آرایه‌های ادبی نقش گرفته‌اند و این نقش‌ها، همچنان از طراوت، پای می‌کوبند. همین حافظ اما، در ابتدای دیوان خویش، سخن از عشق می‌گوید که ظاهرا ساده و «آسان» و دست‌باقتنی است، اما «هشکل» هاباوست.

ادامه دارد

کارتون خواب

جمال رحمتی

jamalrahmati@yahoo.com



تالش

بی‌ینال، دوسالانه نیست!

محمدابراهیم جعفری

نقاش



در محتوای کلمه «بی‌ینال» - توجه، نیت و شعر و شعوری موج می‌زند که در کلمه «هن درآوردی» دوسالانه از آن توجه و نیت خبری نیست زیرا کلمه دوسالانه را در هیچ کدام از فرهنگ‌نامه‌های معتبر ایرانی نمی‌بینم، نه در فرهنگ‌نامه استاد دهخدا و نه دکتر محمد معین. در فرهنگ‌نامه‌های کامل انگلیسی - فارسی، کلمه‌ای معادل بی‌ینال به فارسی نوشته نشده بلکه برای درک معنی این کلمه از توضیحاتی مناسب استفاده شده است. مثلا در توضیح کلمه بی‌ینال در عرصه کشاورزی نوشته شده: «بی‌ینال - گیاهی است که از لحظه رویش تا لحظه‌ای که دانه یا میوه می‌دهد، دو سال به طول می‌انجامد» و بعد از آن گیاه از بین می‌رود و باید گیاهی تازه کاشت تا دو سال آینده مجدد ثمر دهد. با این تعریف که به نظر من نزدیک‌ترین تعریف به خلق یک اثر هنری است، نام «بی‌ینال» که ریشه در کهن دارد و از پرتو توجه و نیتی درونی برخوردار است، برای چنین فعالیت هنری اصیل انتخاب شده است.

همیشه این سوال برابم مطرح بوده که آیا برگزارکنندگان بی‌ینال در ایران با نیازی درونی و توجه و نیتی اینچنینی اقدام به برگزاری بی‌ینال‌ها می‌کنند؟ یا بی‌ینال برای آنها تنها یک اسم ظاهری و بدون پشتوانه است که نام آن را دوسالانه

آزمون و خطا

نسل خوش‌شانس

بابک ریاحی‌پور

آهنگساز و نوازنده



به خوبی می‌دانم که عده‌ای از شما با دیدن تیتیر مطلبم اهی از نهاد برکشیده و به سلامت عقل من شک کرده‌اید. مگر ما همیشه «نسل سوخته» نبوده‌ایم؟ بله بوده‌ایم. در هر نسلی تعداد قابل توجهی آدم پیدا می‌شود که دل‌شان به حال خودشان سوخته و سوخته‌اند و این قضیه را به باقی هم‌نسلان و نورسیدگان خویش گوشزد کرده‌اند و مدام گفته‌اند حیف من که در این زمان زندگی کردم! یا احترام به همه سوخته‌دلان! اما باید بگویم به طور کلی من از اینکه در چنین دوره‌ای زندگی می‌کنم، خیلی احساس خوشبختی می‌کنم. همین تاریخ معاصر خودمان در قرن بیستم را در نظر بگیرید؛ من از اینکه اشتغال کشور توسط قوای متفقان را ندیده‌ام، خدا را شکر می‌کنم، همین‌طور از اینکه قطعی و از گرسنگی نمردن هم‌وطنانم را ندیده‌ام (تا جایی که من به یاد دارم نشنیده‌ام که کسی در ایران در ۵۰ سال اخیر از گرسنگی مرده

چهارراه جهان

بگذار عدالت اجرا شود

نسرین رضایی



نیوزویک: زن سیاه‌رو با موهای قهوه‌ای تیره که صورتی پر از جوش دارد، اشک در چشمانش پر می‌شود و زیر لب می‌گوید: می‌خواهم عدالت برقرار شود. می‌خواهم نه‌تنها این مرد بلکه همه بداندن در همه جا نمی‌شود از پول و قدرت استفاده کرد. حتی اگر طرف ما کسی با سمت رئیس صندوق بین‌المللی پول باشد. ناپیساتو دیالو ۳۲ ساله محکم و قدرتمند، بلند می‌گوید: این مرد باید زندانی شود تا عدالت برقرار شود. هم من و هم خدا شاهد هستیم که آن روز در اتاق ۲۸۰۶ هتل چه گذشت. خدمتکار هتل که مدعی شده استراس کان به او تجاوز کرده، مصاحبه‌ای سه‌ساعته را با مجله نیوزویک انجام داده که ابعاد جدیدی از زندگی او را برای مخاطبان مجله به معرض نمایش گذاشته. او می‌گوید: یکبار دیگر هم برای من ایسن اتفاق افتاد. دیالو که از سال ۲۰۰۳ از گینه مهاجرت کرده، زیر

